نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی مبتنی بر توان‌افزایی جوامع محلی؛ مطالعه موردی: روستای اشتیوان، شهرستان باخرز، استان خراسان رضوی

سید امیرحسین گرکانی*، سجاد امیری، معصومه قربانی*****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

چکیده
توان‌افزایی و ظرفیت‌سازی روستائیان و تشکل‌ها، یکی از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار است. یکی از راهبردهای مؤثر در توسعه پایدار روستایی، نقش سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی حاصل تعاملات میان انسان‌ها، سازمان‌ها و نهادها است که مبتنی بر اعتماد و همدلی است و به‌واسطه مشارکت و همکاری اجتماعی تسهیل می‌شود. هدف از این پژوهش، بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت اجتماعی) در توسعه روستایی جهت توان‌افزایی جوامع محلی است. در این پژوهش، سرمایه اجتماعی شبکه جوامع روستای اشتیوان، ازطریق تکمیل پرسش‌نامه تحلیل شبکه‌ای و مصاحبه مستقیم با اعضای گروه‌های خرد توسعه روستایی بررسی می‌شود. پژوهش با رویکرد شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت. بنابراین، کارگاه‌های مشارکتی بسیج منابع اجتماعی در روستا برگزار شد که خود زمینه‌ساز تشکیل گروه‌های خرد توسعه روستایی بود. به‌منظور تحقق توانمندسازی اجتماعی باید مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند مشارکت و اعتماد در میان افراد تقویت شود. پیوندهای اعتماد و مشارکت میان ۱۱۳ عضو در ۱۱ گروه خرد توسعه روستایی با استفاده از شاخص‌های کمی سطح کلان شبکه بررسی شد و سرمایه اجتماعی گروه‌های خرد توسعه در مراحل مختلف قبل و بعد از اجرای پروژه بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که میزان اعتماد، مشارکت و به‌نوعی سرمایه اجتماعی در قبل از اجرای پروژه در حد متوسط و گاهاً ضعیف بوده که پس از اجرای این پروژه میزان این مؤلفه‌ها افزایش یافته است. سرعت گردش و تبادل اعتماد و مشارکت بین افراد و نیز اتحاد و یگانگی بین افراد بعد از اجرای طرح افزایش یافته است. به‌طورکلی باتوجه‌به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان بیان کرد که به دنبال اجرای این پروژه میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شبکه افزایش یافته و درواقع می‌توان استدلال نمود که پس از اجرای پروژه، با تقویت سرمایه اجتماعی، تحقق و ارتقای توانمندی جوامع روستایی امکان‌پذیر شده است.

کلمات کلیدی: توان‌افزایی جوامع محلی، تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی، توسعه روستایی، اشتیوان.

* دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
** کارشناس مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. samiri@ut.ac.ir
*** کارشناس مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

مقدمه

مفهوم توسعه هم ابعاد کمی و هم ابعاد کیفی دارد و تأکید بر جنبه‌های کمی بدون در نظر داشتن جنبه‌های کیفی و برعکس به مفهوم توسعه نیست (جمعه پور، ۱۳۸۴). توسعه روستایی یعنی فرایند توانمندسازی و تقویت قابلیت زندگی ازنظر کیفیت زندگی، کیفیت محیط به کارایی اقتصادی و کیفیت محیط بیوفیزیکی در نواحی روستایی (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲). بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران امور اقتصادی و اجتماعی به‌خوبی به این نکته واقف‌اند که در برنامه‌های توسعه کشور (مانند برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله)، نمی‌توان فقط به بعد مادی یا رشد اقتصادی توجه داشت، زیرا این روند، در چند دهه گذشته مشکلات اجتماعی و فرهنگی را نادیده گرفته و در میان‌مدت و درازمدت حاصلی جز زیان و درنهایت ایجاد موانع در راه پیشرفت همه‌جانبه و توسعه پایدار در کشور نتیجه‌ای در برنداشته است. لذا لازمه دستیابی به توسعه، تحول اجتماعی مردمی است و تحول اقتصادی و تحرکی دولتی هرگز کافی ناست. توسعه راستین در روند مشارکت فراگیر اجتماعی و نه در تولید کالایی اقتصادی حاصل می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵). توسعه روستایی هم به‌عنوان یکی از مباحث توسعه با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. یکی از این مباحث عدم توجه به سرمایه اجتماعی در بین روستائیانی است که به‌صورت هزاران خرده‌فرهنگ در پهنه جغرافیایی کشور گسترده شده‌اند و شناخت آن روند برنامه‌ریزی توسعه روستایی را برای متخصصان مربوط تسهیل کرده و مشارکت روستائیان را در اجرای بهتر برنامه به همراه دارد (Sharbatiyan et al., 2015). توسعه یک منطقه تنها با تکیه بر منابع طبیعی مقدور نیست، بلکه یکی از موارد لازم و اساسی دیگر سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه اجتماعی یک روستا بیان‌کننده بخشی از پتانسیل‌های انسانی آن روستا است و برای هرگونه برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه لازم است که سرمایه اجتماعی آن منطقه نیز موردبررسی همه‌جانبه قرار گیرد (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵: ۲۳؛ Popovych, 2018). یکی از راهبردها که اخیراً توسط جامعه شناسان و برنامه‌ریزان توسعه، در بسیاری از کشورهای جهان موردتوجه قرار گرفته و توانسته است نقش مؤثری در توسعه روستاها به دنبال داشته باشد، نقش سرمایه اجتماعی است. اهمیت سرمایه اجتماعی سبب شده است تا از یک طرف، از آن به‌عنوان محصول سرمایه‌گذاری عمده در روابط با دیگران و کاربرد آن در دسترسی متفاوت به منابع متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش‌ها یاد کنند و از طرف دیگر، برای غلبه بر مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت، اقتصاد کم بازده روستائیان به کار گرفته شود (رومیانی و همکاران، ۱۳۹۵). ازاین‌جهت سرمایه اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه به شمار می‌آید که به‌طور قابل‌توجهی به توسعه پایدار کمک می‌کند و معمولاً زمانی که از مشکلات اقتصادی سخن به میان می‌آید، اغلب کمبود سرمایه فیزیکی را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین معضلات نام می‌برند و از سرمایه اجتماعی هیچ سخنی به میان نمی‌آید. این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایط رکود و تورمی که نیاز به اعتمادسازی است، بیش از هر سرمایه دیگری احساس می‌شود و در کنار سرمایه دیگر می‌تواند بسیاری از معماهای لاینحل اجتماعی را از سر راه حرکات توسعه‌ای جامعه بردارد و رشد شتابان اقتصادی، اجتماعی را امکان‌پذیر نماید (اکبریان و همکاران، ۱۳۹۶). از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی اجتماعی روستائیان است، که برای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

بهره‌برداری بهینه از امکانات موجود در یک منطقه، توانمندسازی مردم ازطریق افزایش سرمایه اجتماعی، آموزش و آشنا کردن مردم با نقش مهمشان در شکوفایی آن منطقه ضروری است (راستین و همکاران، ۱۳۹۳). هدف از این پژوهش بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی به‌منظور توانمندسازی جوامع محلی است.

ادبیات موضوع

سرمایه اجتماعی

از دیدگاه سنتی، سرمایه اجتماعی از سه عنصر اساسی تشکیل می‌شود؛ اعتماد، همکاری متقابل و شبکه‌های اجتماعی که به‌مثابه مزیتی است که جامعه و افراد به‌وسیله آن بتوانند از مشارکت و همکاری متقابل و اعتماد به یکدیگر بهره‌مند شود (Currie & Staneley, 2008). مفهوم سرمایه اجتماعی باتوجه‌به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به‌عنوان راه‌حلی اجرا شدنی در سطح اجتماعات محلی برای حل مشکلات توسعه، موردتوجه سیاست‌گذاران، مسئولان سیاست اجتماعی و مدیریت محلی قرار گرفته است (Warner, 1999). از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی جامعه جهانی تمایل به برانگیختن مشارکت محلی در میان سازمان‌های غیردولتی، مدیران دولتی و نهادهای علمی و دانشگاه را گسترش داده است. امروزه این رهیافت برای کاستن از محدودیت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت از بالا به پایین طراحی می‌شود (Ericsson, 2004)؛ به‌طوری‌که نظارت مردم محلی بر مسائل مربوط به محل خود، یکی از عناصر مهم توسعه روستایی است و این به معنای کمک آن‌ها برای مشارکت در تصمیم‌گیری و افزایش مهارت‌های مربوط به چگونگی رفع مشکلات است (Saleh Nasab, 1992: 25). بدین ترتیب، یکی از ابزارهای مهم در جهت دستیابی به توسعه روستایی، ایفای نقش مردم، اعتمادسازی و مشارکت آن‌ها در این زمینه، توانمند کردن مدیریت محلی با رویکرد تقویت سرمایه اجتماعی است؛ به‌طوری‌که بسیاری از محققان سرمایه اجتماعی را به‌عنوان حلقه مفقودشده توسعه پایدار روستایی قلمداد کرده‌اند (Dhesi, 2000).

به عبارتی، سرمایه اجتماعی هم فرایند توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم از فرایند توسعه تأثیر می‌پذیرد (Ghaffari, 2011). در این رابطه، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نقش مؤثری بر تصمیم‌گیری بهتر، افزایش میزان مشارکت و نیز همراه با افزایش اعتماد بین گروهی در سطح طایفه، بستر مناسبی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه‌ای را فراهم نموده است (Azkia & Firoozabadi, 2008). بر این اساس سرمایه اجتماعی در سطح جوامع روستایی سبب جلب مشارکت و همیاری تمام نیروهای مؤثر در حیات جامعه روستایی جایگزین هم‌گرایی به جای تفرق و واگرایی می‌شود (Rezvani & Darban Astaneh, 2012). به‌عبارت‌دیگر سرمایه اجتماعی به‌عنوان روابط بین اعضای گروه‌ها و اجتماعات معرفی می‌شود که موجب شکل‌گیری اعتماد و تسهیل کنش‌ها می‌شود (حیدری، ۱۳۹۰).

بنابراین سرمایه اجتماعی موضوع روبه‌رشد بسیاری از مطالعات در سال‌های اخیر است و شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به‌خصوص جوامع روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر، اعتماد متقابل بین جوامع محلی و نهادهای دیگر است. مضاعف بر این، عاملی مؤثر در رسیدن به توسعه پایدار روستایی است، چرا که توسعه پایدار روستایی بر مشارکت ساکنان محلی، ازطریق مذاکره، مشورت و تعامل استوار است که درکی از سهم هریک از ساکنان را در فرایند توسعه فراهم می‌آورد (میری و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

همکاران، ۱۳۸۹). امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام‌بخشی میان انسان‌ها، میان سازمان‌ها و میان انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها است. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار است (احمدی، ۱۳۹۶). دو مؤلفه مهم و اساسی سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد است که در یک تعامل دوسویه، سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵). به‌طورکلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای، نشانگر میزان اعتماد افراد به یکدیگر است (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی مفهومی کلان است که دربرگیرنده ابعادی مانند اعتماد و مشارکت است. مشارکت به معنی تعهدی مشترک برای انجام فعالیتی معین است که در آن پیگیری اقدامات به‌صورت توافقی و آگاهانه انجام می‌شود (شریقیان ثانی،۱۳۸۱) و بعد دیگر سرمایه اجتماعی اعتماد است که درواقع پیش‌شرط مشارکت و همکاری بوده و بقا و پایداری روابط بین کنشگران به اعتماد افراد به یکدیگر وابسته است. اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. مشارکت و اعتماد به‌صورت دو متغیر وابسته به یکدیگر دیده شده‌اند، یعنی اعتماد ناشی از زندگی معاشرتی قوی است و درعین‌حال به‌صورت خودانگیخته تقویت انجمن‌ها را تسهیل می‌کند. نظریه سرمایه اجتماعی فرض می‌کند که به‌طورکلی هرچه بیشتر با دیگران پیوند داشته باشیم، نشانگر اعتماد بیشتر ما با آن‌ها و به‌عکس خواهد بود (Putnam, 1995). سرمایه اجتماعی به دو گروه درون‌گروهی و برون‌گروهی تقسیم می‌شود. پاتنام (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را به‌عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون تعریف می‌کند؛ درحالی‌که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تنها گروه‌های هم‌جنس را به همدیگر پیوند می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی محدود، به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار است و بر پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید دارد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی همگنی را حفظ نموده و سبب تحریک اتحاد می‌شود و مانند چسب در جامعه‌شناسی برای حفظ وفاداری و مشارکت در گروه‌ها به کار می‌آید (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵). باتوجه‌به اهمیت سرمایه اجتماعی به‌عنوان عامل اساسی در نیل به اهداف توسعه روستایی (ریاحی و همکاران،۱۳۹۲)، هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل نقش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ازطریق روش تحلیل شبکه اجتماعی در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای یک پروژه توانمندسازی جوامع روستایی اجتماع‌محور، بر میزان مشارکت جوامع محلی روستای اشتیوان از توابع شهرستان باخرز استان خراسان رضوی است. قابل‌ذکر است که این گروه‌های خرد توسعه به دنبال اجرای پروژه توانمندسازی جوامع محلی طرح آبادانی و پیشرفت جامع شکل گرفته است.

اعتماد

اعتماد نه‌تنها یک جنبه مهم از تعاملات اجتماعی است بلکه مؤلفه مرکزی و شاخص کلیدی در بحث سرمایه اجتماعی است (Murayama et al., 2014). اعتماد به‌عنوان عامل توسعه و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، در پژوهش‌های زیادی به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در تاب‌آوری و خروجی مدیریت موفق جوامع محلی و توسعه پایدار روستایی در نظر گرفته

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

شده است (Stern & Baird, 2013). اعتماد برای تمامی روابط و سیستم‌های اجتماعی ضروری است، زیرا سبب کاهش نافرمانی می‌شود و رسیدن به اهداف را تسهیل می‌کند (Barber, 1983). درواقع، اعتماد معیاری کلیدی و اساسی برای شروع مدیریت مشارکتی در میان همه کنشگران درگیر در فرایند مدیریت مشارکتی، توسعه اعتماد و روابط متقابل آن‌ها است (Davenport et al., 2007). اعتماد، راهبردی است که افراد را قادر می‌سازد تا خود را با محیط‌های اجتماعی پیچیده وفق دهند و بدین‌وسیله از فرصت‌های فزاینده سود ببرند (Earle et al., 1995). از سوی دیگر، بی‌اعتمادی مسیرهای ارتباطات را مسدود می‌کند، موجب جدایی اعضای جامعه از یکدیگر می‌شود و فرصت‌های مربوط به تعاون و همکاری را از بین می‌برد (Ghaffari, 2011). بنابراین، در زمینه توانمندسازی و توسعه پایدار محلی، بررسی و ارزیابی شبکه روابط اعتماد، بسیار مهم است.

مشارکت

مشارکت، مؤلفه دیگری برای سرمایه اجتماعی و وجه اساسی و درعین‌حال گم شده توسعه پایدار در روستاها است (گل شیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸). مشارکت همچنین فرایندی است که طی آن، افراد ازطریق احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن، به‌طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می‌زنند. به تعبیر دیگر، مشارکت تعهدی مشترک برای انجام دادن فعالیتی معین است که در آن، پیگیری اقدامات به‌صورت توافقی و آگاهانه صورت می‌گیرد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰). مشارکت اجتماعی بر فعالیت‌های داوطلبانه و ارادی دلالت می‌کند که ازطریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله و روستا شرکت می‌کنند (گرجی کرسامی و بابایی کارنامی، ۱۳۹۶).

پژوهش‌های متعدد توسعه روستایی نشان می‌دهد مشارکت در نهادهای اجتماعی، انسجام میان گروهی در میان اقشار جامعه روستایی، اعتماد و ارتباطات اجتماعی و احترام و آگاهی به حقوق اجتماعی افراد، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را ممکن می‌سازد که در نبود آن‌ها، این دستاوردهای غیرممکن و پرهزینه می‌شود (Coleman, 1990). ازاین‌رو جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹). از سوی دیگر، کسی که مشارکت فعال نداشته باشد، قادر به بهره‌وری از فرصت‌هایی که برای او در جامعه پیش می‌آید، نیست و به‌نوعی منزوی شده، دچار طرد اجتماعی[1] می‌شود (De Haan, 2001).

روش تحقیق

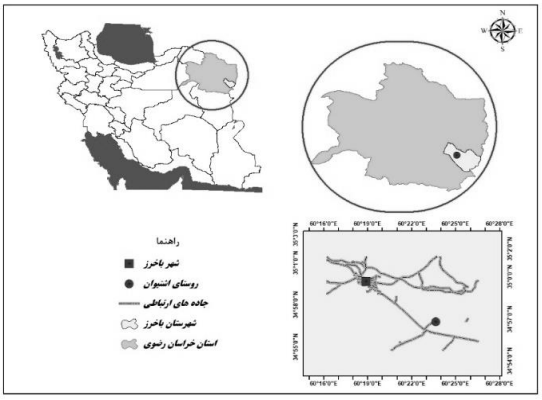
منطقه موردمطالعه

برای پیشبرد اهداف این تحقیق، به ارزیابی سرمایه اجتماعی روستای اشتیوان از توابع شهرستان باخرز در استان خراسان رضوی پرداخته شد. شهرستان باخرز در جنوب شرقی استان خراسان رضوی قرار دارد که از شمال به شهرستان تربت‌جام، از جنوب به شهرستان خواف، از شرق به شهرستان تایباد و از غرب به شهرستان زاوه محدود شده است. شهرستان باخرز به لحاظ ساختار اداری سیاسی از دو بخش، چهار دهستان و یک شهر و ۵۴ روستا تشکیل شده است. روستای اشتیوان واقع در شرق شهرستان باخرز (تصویر شماره ۱)، ۸۶۷ نفر جمعیت در قالب ۱۵۶ خانوار دارد. عمده ساکنان روستا به کشاورزی و دامداری مشغول هستند.

به‌منظور سنجش و ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی مرتبط با پروژه توانمندسازی جوامع روستایی، در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه از روش تحلیل شبکه‌ای بهره برده

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

شد. به‌این‌ترتیب، با استفاده از شیوه‌های پیمایشی، ابتدا گروه‌های هدف شامل افراد در هر گروه خرد توسعه روستایی اشتیوان شناسایی شدند. این تحقیق در سطح شبکه روابط ذی‌نفعان محلی در داخل هر زیرگروه خرد توسعه روستایی یکدیگر بررسی شده است. در حالت اول تأکید بر خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و در حالت دوم تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی مدنظر قرار گرفته است. تعداد افراد پرسش‌شونده در این تحقیق ۱۱۳ نفر در قالب ۱۱ گروه خرد توسعه روستایی است. بر این اساس، پرسش‌نامه تحلیل شبکه‌ای تدوین و ازطریق مشاهده مستقیم و مصاحبه با هریک از افراد تکمیل شد. در این تحقیق روش شبکه کامل برای انتخاب جامعه آماری در نظر گرفته شده است که کل اعضای شبکه را بررسی می‌کند. درنهایت داده‌های جمع‌آوری‌شده در نرم‌افزار Ucinet نسخه ۶ وارد شد و با روش تحلیل شبکه اجتماعی شاخص‌های مدنظر تحلیل شد.



ت ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه موردمطالعه در استان و شهرستان

روش تحلیل شبکه

در علوم اجتماعی، رویکرد ساختاری که مبتنی بر مطالعه کنش‌های متقابل میان کنشگران اجتماعی است، تحلیل شبکه اجتماعی (SNA)[۲] نام دارد. روش تحلیل شبکه‌ای بر اساس معیارها و شاخص‌های کمّی قادر است روابط اجتماعی و تبادلات اقتصادی بین افراد را در قالب ساختاری شبکه‌ای دیداری کند که این مهم مدیران و برنامه‌ریزان را در تحلیل ذی‌نفعان و تصمیم‌گیری بهینه برای توانمند شدن جامعه روستایی یاری می‌کند. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل پایش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی سیاستی در توانمندسازی جوامع روستایی است (Ghorbani, 2015). سرمایه اجتماعی به‌عنوان منافذ ساختاری شبکه تنها با فرض وجود دوسویگی[۳] و روابط دوجانبه و متقابل قابل‌بررسی است و نباید آن را صرفاً ازطریق ارزیابی شاخص تراکم[۴] محض که پیوندهای اجتماعی را بدون در نظر گرفتن دوسویگی آن‌ها بررسی می‌کند، قضاوت کرد. بنابراین در این تحقیق، قبل و بعد از اجرای پروژه این شاخص‌ها بررسی شده است که در ادامه به معرفی هر شاخص پرداخته شده است:

تراکم شبکه

تراکم در شبکه اطلاعاتی، به‌عنوان نسبت گره‌های اطلاعاتی موجود در شبکه، به تعداد حداکثر گره‌های ممکن تعریف می‌شود. تراکم بالای شبکه نشان‌دهنده میزان بالای انسجام در بین افراد است. همان‌گونه که پیش‌ازاین نیز اشاره شد، مطابق نظریه بارت، میزان بسته بودن شبکه هم‌ارز با میزان انسجام یعنی ساختار درونی شبکه و پیوندهای درون‌گروهی به یک میزان است (Bodin & Prell, 2011). این شاخص به‌صورت نسبت تعداد همه پیوندهای موجود به همه پیوندهای ممکن تعریف می‌شود. میزان این شاخص بین صفر تا یک و نیز صفر تا ۱۰۰ درصد متغیر است (Jatel, 2013). این شاخص نیز معرف میزان همبستگی شبکه است (Bastani & Raeesi, 2011).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

دوسویگی پیوندها در شبکه

به‌منظور تعیین میزان پایداری شبکه روابط و میزان متقابل بودن پیوندهای اعتماد و مشارکت از این شاخص استفاده می‌شود. هرچه میزان این شاخص در شبکه روابط بیشتر باشد، نشان‌دهنده بالا بودن میزان روابط متقابل سازنده بین افراد حاضر در شبکه است و پایداری شبکه روابط را تضمین می‌کند (Leahy & Anderson, 2008).

انتقال‌یافتگی[5] پیوندها در شبکه

این شاخص از به اشتراک‌گذاری پیوندها بین سه فرد که یکی از آن‌ها پل ارتباطی بین دو فرد دیگر است، حاصل می‌شود. هرچه تعداد افراد انتقال‌دهنده پیوندها بیشتر باشد، میزان این شاخص بالاتر است و درنتیجه پایداری و دوام روابط را در بین کنشگران به دنبال دارد (Mohamadi Kangarani & Mohamadi, 2014).

کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر (میانگین فاصله ژئودزیک)[6]

این شاخص نشان‌دهنده میزان کوتاه‌ترین مسیر در بین دو جفت کنشگر بر اساس پیوندهای اعتماد و مشارکت است. هر چه میزان این شاخص کمتر باشد، سرعت گردش و پخش اعتماد و پیوندهای مشارکتی در بین افراد و میزان اتحاد و یگانگی در جامعه بیشتر می‌شود، بنابراین زمان کمتری برای اعتمادی سازی در شبکه موردنیاز است و هماهنگ ساختن افراد در شبکه برای اجرای مدیریت مشارکتی با زمان کمتری مواجه خواهد بود (Sepehri & Riahi, 2010).

یافته‌ها

برای بررسی شاخص‌های مختلف تحلیل شبکه‌ای در سطح زیرگروه‌های روستا، هریک از ۱۱ گروه به‌عنوان شبکه کاملی در نظر گرفته شده است. نتایج به‌دست‌آمده از شاخص تراکم نشان از آن دارد که در مرحله قبل از اجرای پروژه در ارتباط با پیوند اعتماد، زیرگروه فردوسی و بنفشه به ترتیب با ۹۱/۱ و ۸۶/۵ درصد بیشترین میزان شاخص تراکم را در پیوندهای اعتماد و مشارکت به خود اختصاص داده‌اند و بیشترین میزان بسته بودن شبکه و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را نیز در بین گروه‌های مختلف دارند. همچنین کمترین میزان بسته بودن شبکه، انسجام و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در این مرحله متعلق به گروه نیاز با میزان ۱۸/۹ درصد است. در مرحله بعد از اجرای پروژه نیز گروه‌های فردوسی و حسام بیشترین میزان تراکم در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت را داشته و به‌این‌ترتیب انسجام و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بیشتری در مقایسه با دیگر گروه‌های موجود در روستا دارند (جدول شماره ۱). به‌طورکلی میزان زیاد اعتماد و مشارکت در بین افراد منجر به تسهیل در به اشتراک‌گذاری منابع و تقویت روابط بین اعضای گروه می‌شود و نقش مؤثری در توسعه پایدار روستایی و اجرای موفق پروژه خواهد داشت. ازاین‌رو، دستیابی این مهم در روستای اشتیوان را می‌توان به برگزاری کارگاه‌های مشارکتی و برنامه‌ریزی ترویجی و آموزشی در خلال اجرای پروژه و به‌منظور دستیابی به مدیریت مشارکتی جوامع محلی و توسعه پایدار روستایی نسبت داد.

نتایج شاخص دوسویگی نشان می‌دهد که در مرحله قبل از اجرای پروژه گروه بصیرت و فردوسی بیشترین و کمترین میزان شاخص دوسویگی را به ترتیب در دو پیوند اعتماد و مشارکت داشته‌اند که این مقدار در گروه فردوسی با ۸۲/۲ درصد بیشترین و گروه بصیرت با ۱۲/۵ درصد کمترین میزان شاخص دوسویگی را به ترتیب در پیوندهای مشارکت و اعتماد دارد. وجود تفاوت معنادار میان اعتماد و مشارکت در این دو گروه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

چالش محسوب می‌شود که نیاز است با تقویت روابط متقابل در هر دو گروه، همبستگی میان اعتماد و مشارکت را افزایش داد تا بتوان شاهد تحقق سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالا در این دو گروه بود.

ج ۱. میزان شاخص تراکم در سطح زیرگروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان

مرکز اکولوژیک	گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	تراکم (درصد)	
				مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه
روستای اشتیوان	فردوسی	اعتماد	۱۰	۸۲/۹	۹۸/۴۳
		مشارکت	۱۰	۹۱/۱	۱۰۰
	وحدت	اعتماد	۱۱	۳۵/۵	۹۲/۵
		مشارکت	۱۱	۳۸/۵	۹۴/۵
	سینا	اعتماد	۱۰	۲۷/۸	۹۴/۴
		مشارکت	۱۰	۳۱/۱	۹۲/۲
	حسام	اعتماد	۱۰	۳۵/۶	۹۶/۷
		مشارکت	۱۰	۳۶/۷	۱۰۰
	حجت	اعتماد	۱۰	۴۷/۸	۹۴/۴
		مشارکت	۱۰	۶۲/۲	۹۳/۳
	تلاش	اعتماد	۱۱	۷۵/۶	۹۶/۴
		مشارکت	۱۱	۲۳/۶	۹۳/۶
	احسان	اعتماد	۱۰	۵۸/۹	۹۷/۸
		مشارکت	۱۰	۸۱/۱۱	۹۸/۹
	نیاز	اعتماد	۱۰	۱۸/۹	۸۸/۹
		مشارکت	۱۰	۲۸/۹	۹۳/۳
	بنفشه	اعتماد	۱۳	۸۶/۵	۹۸/۵
		مشارکت	۱۳	۷۵	۹۷/۶
	بصیرت	اعتماد	۸	۳۲/۱۱	۹۲/۹
		مشارکت	۸	۲۶/۳	۹۱/۱
	برکت	اعتماد	۱۰	۷۳/۳	۹۸/۷
		مشارکت	۱۰	۷۸/۹	۱۰۰

در مرحله بعد از اجرای پروژه دو گروه بنفشه و احسان با ۹۸/۲۳ و ۹۷/۷۸ درصد بیشترین شاخص دوسویگی پیوندها را در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت به خود داشته‌اند و با نهادینه شدن پیوندهای اعتماد و مشارکت در این دو گروه و پایبندی به سنت‌های محلی در بین تمام اعضا، شاهد گروهی منسجم با پایداری زیاد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بسیار قوی خواهیم بود که با بسیج جامعه محلی و افزایش توانمندی اعضای گروه، تقویت تاب‌آوری در برابر تنش‌های محیطی و اجتماعی و درنهایت دستیابی به مدیریت مشارکتی روستایی را به دنبال خواهد داشت. در ادامه نتایج شاخص انتقال‌یافتگی نشان می‌دهد که گروه فردوسی و نیاز به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین میزان این شاخص را در مرحله قبل از اجرا پروژه دارند (جدول شماره ۲).

در مرحله بعد از اجرای پروژه همچنین دو گروه بنفشه و احسان با ۹۷/۴۳ و ۹۶/۶۶ درصد بیشترین میزان انتقال‌یافتگی را در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت به خود اختصاص داده‌اند. این دو گروه در این مرحله شرایط بسیار مناسبی دارند؛ زیرا باتوجه‌به میزان بالای تعادل و توازن، شبکه و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بسیار قوی مانع از شکنندگی پایداری روابط در برابر بحران‌های احتمالی خواهد شد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که گروه سینا با ۸۱/۸۵ درصد کمترین میزان این شاخص را بر اساس پیوندهای اعتماد و مشارکت در مرحله بعد از اجرای طرح دارد. کمبود روابط سه‌گانه در بین افراد این گروه در مقایسه با سایر گروه‌ها شبکه‌ای شکننده و نامتعادل ایجاد کرده است که در برابر تنش‌ها

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

و بحران‌های محیطی و اجتماعی متزلزل خواهد بود. به همین دلیل نیاز است که با رفع چالش‌های پیش روی این گروه و تقویت روح اعتماد و همکاری در میان اعضای آن پایداری و تعادل شبکه را افزایش داد.

ج۲. اندازه شاخص دوسویگی و انتقال‌یافتگی پیوندها در سطح زیرگروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان

مرکز اکولوژیک	گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	مرحله قبل از اجرای پروژه		مرحله بعد از اجرای پروژه	
				دوسویگی (درصد)	انتقال‌یافتگی (درصد)	دوسویگی (درصد)	انتقال‌یافتگی (درصد)
روستای اشتیوان	فردوسی	اعتماد	۱۰	۷۸/۲	۸۲/۹	۹۶/۲۳	۹۴/۱۲
		مشارکت	۱۰	۸۲/۲	۸۷/۹	۹۴/۶۵	۹۲/۱۸
	وحدت	اعتماد	۱۱	۱۸/۱۸	۲۲/۶۷	۹۲/۵	۸۷/۰۳
		مشارکت	۱۱	۱۸/۱۸	۲۲/۶۸	۹۲/۵	۸۷/۰۳
	سینا	اعتماد	۱۰	۱۷/۸	۱۴/۷۴	۸۸/۸۹	۸۸/۵۷
		مشارکت	۱۰	۱۶/۶۷	۱۵/۶۶	۸۸/۶۴	۸۱/۸۵
	حسام	اعتماد	۱۰	۲۸	۱۶/۴۴	۹۳/۳۳	۹۱/۰۶
		مشارکت	۱۰	۲۶/۹۲	۱۷/۱۰	۹۷/۴۳	۹۶/۳۵
	حجت	اعتماد	۱۰	۲۶/۴۷	۲۹/۰۳	۸۸/۸۹	۸۴/۸۷
		مشارکت	۱۰	۴۳/۵۹	۴۲/۵۸	۹۰/۹۱	۸۳/۰۵
	تلاش	اعتماد	۱۱	۳۸/۴۵	۳۳/۳۳	۹۲/۷۳	۹۰/۳۶
		مشارکت	۱۱	۱۳/۰۴	۱۹/۰۳	۸۷/۲۷	۸۳/۵
	احسان	اعتماد	۱۰	۳۵/۹۰	۳۴/۵۹	۹۵/۵۶	۹۳/۳۳
		مشارکت	۱۰	۶۵/۹۱	۶۲/۸۵	۹۷/۷۸	۹۶/۶۶
	نیاز	اعتماد	۱۰	۱۲/۸۵	۱۱/۶۸	۸۱/۸۲	۷۴/۹۶
		مشارکت	۱۰	۳۹/۴۵	۳۳/۹	۸۶/۶۷	۸۵/۹۶
	بنفشه	اعتماد	۱۳	۷۵/۳۲	۷۰/۴۴	۹۷/۴۵	۹۶/۳۷
		مشارکت	۱۳	۵۸/۱۱	۵۴/۱۸	۹۸/۲۳	۹۷/۴۳
	بصیرت	اعتماد	۸	۱۲/۵۰	۱۵	۸۵/۷۱	۸۲/۹۲
		مشارکت	۸	۱۸/۱۸	۲۸/۳۱	۸۲/۱۴	۷۷/۲۰
	برکت	اعتماد	۱۰	۵۳/۴۹	۵۴/۶۰	۸۵/۱۸	۸۳/۴۵
		مشارکت	۱۰	۶۱/۳۶	۶۰/۴۲	۹۶/۳۹	۹۳/۱۴

نتایج جدول شماره ۳، حاکی از آن است که در مرحله قبل از اجرای پروژه کوتاه‌ترین فاصله بین دو کنشگر در پیوند اعتماد و مشارکت برای گروه فردوسی با میزان ۱/۰۸ درصد است. این نتیجه بیانگر اتحاد و یگانگی بسیار زیاد بین اعضای این گروه در مرحله قبل از اجرای پروژه است که باعث می‌شود افراد در این گروه‌ها با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی داشته باشند. همچنین قبل از اجرای پروژه بیشترین میزان میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت به ترتیب متعلق به گروه بصیرت و حسام است. این گروه‌ها در مرحله قبل از اجرا در مقایسه با دیگر گروه‌ها، بین اعضای خود کمترین اتحاد و یگانگی را داشتند و گردش اعتماد و مشارکت و هماهنگی به‌منظور مدیریت پایدار و مشارکتی بین آنان با سرعت بسیار کمتری صورت می‌گیرد. بعد از اجرای پروژه و با افزایش روابط بین اعضای گروه‌ها، میزان میانگین فاصله ژئودزیک نیز کاهش یافته است و افراد یگانگی و اتحاد بیشتری نسبت به قبل از اجرا پیدا کرده‌اند و درنتیجه با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی خواهند داشت. گروه‌های فردوسی، حسام و بنفشه کوتاه‌ترین فاصله بین دو کنشگر در مرحله بعد از اجرا در پیوند اعتماد و مشارکت را به خود اختصاص داده‌اند. درنتیجه بعد از اجرای پروژه زمان کمتری برای هماهنگ ساختن افراد در این گروه‌ها برای مدیریت منبع مشخصی صرف می‌شود و درنهایت اعتمادسازی و فعالیت‌های جمعی در این گروه‌ها سریع‌تر از سایر گروه‌ها اتفاق خواهد افتاد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

ج۳. شاخص میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت در زیرگروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه

مرکز اکولوژیک	گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	میانگین فاصله ژئودزیک	
				مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه
روستای اشتیوان	فردوسی	اعتماد	۱۰	۱/۲۵	۱
		مشارکت	۱۰	۱/۰۸	۱
	وحدت	اعتماد	۱۱	۱/۳۵	۱/۰۵
		مشارکت	۱۱	۱/۴۵	**1/14**
	سینا	اعتماد	۱۰	۱/۶۵	۱/۰۵
		مشارکت	۱۰	۱/۷۹	۱/۰۷
	حسام	اعتماد	۱۰	۱/۹۰	۱/۰۳
		مشارکت	۱۰	۱/۸۱	۱
	حجت	اعتماد	۱۰	۱/۵۳	۱/۰۵
		مشارکت	۱۰	۱/۳۲	۱/۰۶
	تلاش	اعتماد	۱۱	۱/۴۱	۱/۰۳
		مشارکت	۱۱	۲/۱۱	۱/۰۶
	احسان	اعتماد	۱۰	۱/۴۲	۱/۰۲
		مشارکت	۱۰	۱/۱۸	۱/۰۱
	نیاز	اعتماد	۱۰	۱/۳۶	۱/۱۱
		مشارکت	۱۰	۱/۸۱	۱/۰۶
	بنفشه	اعتماد	۱۳	۱/۱۳	۱
		مشارکت	۱۳	۱/۲۵	۱/۰۲
	بصیرت	اعتماد	۸	۲/۰۲	۱/۰۷
		مشارکت	۸	۲	۱/۰۸
	برکت	اعتماد	۱۰	۱/۲۷	۱
		مشارکت	۱۰	۱/۲۴	۱/۰۳

نتیجه

امروزه اهمیت سرمایه اجتماعی به‌منظور رسیدن به توسعه روستایی، موضوع رو به رشد بسیاری از مطالعات است. ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند ازطریق بهبود عملکرد درونی مدیریت محلی در ارتباط با دو مؤلفه اعتماد و مشارکت، بسترساز بهبود مشارکت ذی‌نفعان جوامع محلی در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی – اکولوژیکی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی – فضایی در فرایند توسعه همه‌جانبه روستایی باشد. به عبارتی، شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به‌خصوص جوامع روستایی، توسعه همه‌جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) است که این سازه‌ها از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند (سعیدی، ۱۳۸۳). وجود سرمایه اجتماعی در جوامع محلی، از عوامل کلیدی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. استفاده از سرمایه اجتماعی باتوجه‌به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به‌عنوان راهی برای توانمندسازی جوامع محلی در مواجهه با جهانی شدن معرفی شده است و در سطوح محلی، برای غلبه بر ضرر اجتماعی بسیار اهمیت دارد (Alston, 2001). به‌عبارت‌دیگر، سرمایه اجتماعی را می‌توان سرمایه‌ای حاصل از تعامل‌های اجتماعی افراد در شبکه‌های مختلف اجتماعی دانست که نتیجه آن، شکل‌گیری سطحی از مشارکت مردمی برای دستیابی به اهداف جمعی است که زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌کند (کاظمیان و شفیعا، ۱۳۹۳). اعتماد اجتماعی یک بعد از سرمایه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

اجتماعی است. اعتماد اجتماعی سطح اطمینان مردم به یکدیگر است، مبنی بر اینکه سایرین طبق انتظار عمل می‌کنند و آنچه می‌گویند قابل‌اطمینان است. مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند و هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاست‌های اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۶). اعتماد اجتماعی نه‌تنها یک جنبه مهم از تعاملات اجتماعی است بلکه مؤلفه مرکزی و شاخص کلیدی در بحث سرمایه اجتماعی است (Murayama et al., 2014). به‌طورکلی دو مؤلفه مهم و اساسی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و مشارکت از موضوعات پراهمیت و ویژه در توسعه و برنامه‌ریزی جوامع روستایی است. ایجاد توسعه پایدار روستایی در جوامعی با سرمایه اجتماعی غنی به سهولت انجام می‌شود، در این زمینه در تحقیقات مختلف تأکید بر وجود رابطه مستقیم میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی شده است (افراخته و همکاران، ۱۳۹۳؛ فراهانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ Ghorbani، 2015 ؛ Ling et al., 2015 ؛ Zhou et al., 2017 ؛ Moyes et al, 2015).

در این تحقیق پایش و ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در بین کلیه اعضای گروه‌های خرد توسعه روستای اشتیوان که تحت پوشش پروژه ایرانی مشارکتی و توانمندسازی جوامع روستایی است، انجام شده است. روش و ابزار تحقیق، تحلیل شبکه اجتماعی بوده که رویکردی نوین در برنامه‌ریزی برای مدیریت مشارکتی و طرح‌های توسعه روستایی است و محققان با مطالعه شبکه‌های اجتماعی و تحلیل مؤلفه‌های اجتماعی با استفاده از روش تحلیل شبکه قادر هستند چالش‌های پیش روی فرایندهای مشارکتی در توسعه پایدار محلی را شناسایی نمایند. در این تحقیق بین سرمایه اجتماعی بر پایه دو بعد مشارکت و اعتماد اجتماعی در بین ذی‌نفعان محلی با سنجش شاخص‌هایی مانند تراکم، دوسویگی، انتقال‌یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک ارزیابی شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این روستا، میزان تراکم در پیوند اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه افزایش یافته است و اجرای پروژه سبب توسعه اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی در سطح گروه‌های مختلف خرد توسعه شده است که می‌توان آن را به برگزاری کارگاه‌های مشارکتی و برنامه‌های ترویجی و آموزشی و بسیج جوامع محلی در طول اجرای پروژه و در راستای اجرای موفق پروژه و دستیابی به مدیریت مشارکتی جوامع محلی در مسیر توسعه روستایی نسبت داد. به‌طورکلی بالا بودن میزان اعتماد و مشارکت در بین افراد باعث خواهد شد میزان تراکم و انسجام اجتماعی افزایش یافته و سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی با سرعت بیشتری تحقق یابد و درنتیجه مدیریت مشارکتی جوامع محلی به‌منظور توسعه روستایی به‌صورت مطلوب در منطقه شکل بگیرد. نتایج تحقیقات مختلف قربانی (۲۰۱۵)، سالاری (۲۰۱۴) و دی هان[۷] (۲۰۰۱) نیز مؤید این مطلب است. وجود اعتماد و مشارکت متقابل باعث می‌شود که شبکه‌ای پایدار ایجاد شود که در آن روح اعتماد، همکاری، تعامل و تعاون و همچنین پایبندی به سنت‌ها و عرف‌های محلی در بین افراد نهادینه گردد. این امر منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شده و برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه پایدار روستا با هزینه و زمان کمتری همراه بوده و سبب تقویت فرایندهای مشارکتی در برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه روستایی خواهد شد (سالاری، ۲۰۱۴؛ قربانی، ۲۰۱۵). میانگین فاصله ژئودزیک در دو پیوند اعتماد و مشارکت در روستای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

اشتیوان قبل از اجرای پروژه به ترتیب ۱/۴۸ و ۱/۵۴ درصد است که بیانگر سرعت متوسط گردش اعتماد و اتحاد و یگانگی و مشارکت افراد روستایی است و پس از اجرای این پروژه این میزان کاهش یافته و به مقدار ۱/۰۳ و ۱/۰۴ درصد برای دو پیوند اعتماد و مشارکت رسیده که نشانگر سرعت به نسبت بالای گردش اعتماد و مشارکت در بین افراد است. درواقع باتوجه‌به اهمیت زمان و سرعت هماهنگ کردن در بحث مدیریت مشارکتی، تقویت پیوند اعتماد و به‌ویژه مشارکت برای افزایش سرعت گردش این پیوند در بین افراد و به دنبال آن کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین افراد در راستای استقرار مدیریت مشارکتی جوامع روستایی بسیار مهم است که نتایج سایر محققان مانند قربانی (۲۰۱۵) و سالاری و همکاران (۲۰۱۴) نیز این ادعا را مورد تأکید قرار داده است.

درنهایت می‌توان بیان کرد شناخت و استفاده آگاهانه از سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی فرصتی برای نهادسازی و ظرفیت‌سازی در جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی است (شفیعی، ۱۳۹۲). از طرفی باتوجه‌به نتایج به‌دست‌آمده در این میان روشن است که روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی نقش بسزایی در ایجاد ارتباط و هماهنگ‌سازی میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و نیز ارتقای سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند و به‌این‌ترتیب بستر مناسبی برای توانمندسازی جوامع روستایی و نیز شکل‌گیری و تحقق مدیریت مشارکتی روستایی را فراهم می‌سازد (Bodin & Prell, 2011). در این مقاله بر بعد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی به‌عنوان عامل مؤثر بر تقویت و حفظ اتحاد و وفاداری در افراد و نیز بر پایداری و ثبات منطقه با حفظ سرمایه اجتماعی در بلندمدت تأکید شده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ بریمانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Mousavi, 2012). به‌طورکلی، برای دستیابی به موفقیت در توسعه پایدار روستایی به تقویت سرمایه اجتماعی ازطریق تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی و به دنبال آن افزایش انسجام اجتماعی، تعامل و تقویت همکاری نیاز است. تشکیل گروه‌های خرد توسعه روستایی و برگزاری جلسات ارزیابی مشارکتی ازجمله راهکارهای افزایش تقویت اعتماد و مشارکت در بین افراد و ارتقای سرمایه اجتماعی است؛ به‌طوری‌که سرمایه اجتماعی در قالب تشکل‌های محلی سبب کاهش فقر با توسعه اقتصاد محلی و افزایش رفاه جامعه می‌شود که خود بسترساز رسیدن به توسعه پایدار روستایی است (Ling et al., 2015; Zhou & Song, 2017; Moyes et al., 2015; Shirvanian et. Al., 2015). باتوجه‌به نتایج این تحقیق می‌توان این ادعا را اثبات کرد که باتوجه‌به اینکه یکی از مهم‌ترین عناصر در مدیریت مشارکتی جوامع محلی و توسعه روستایی در مقیاس محلی سازمان‌دهی و تشکل‌گرایی یا به‌نوعی بسیج جوامع محلی است، ضرورت دارد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تقویت گردد.

پی‌نوشت

1. Social Exclusion
2. Social Network Analysis
3. Reciprocity
4. Density
5. Transitivity
6. Geodesic distance
7. De Haan

فهرست منابع

– احمدی، منیژه. (۱۳۹۶). تحلیلی بر اثرات سرمایه اجتماعی در اخلاق زیست‌محیطی روستائیان مطالعه موردی: دهستان چاپیاره بالا؛ شهرستان زنجان. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۱ (۶۱)، ۳۵-۱۹.

– افراخته، حسن، عزیزی، اصغر؛ مهر علیتبار فیروزجایی، مرتضی. (۱۳۹۳). نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

دهستان چهاردانگه، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم،شماره ۳۴ ، ۴۷-۲۵.
– اکبریان رونیزی، سعید رضا؛ رضا علی، منصور؛ چهارراهی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: شهر استبان، استان فارس). فصلنامه مطالعات و برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره دوازدهم، شماره ۲، ۳۸۹ – ۲۷۵.
– بریمانی، فرامرز؛ راستی، هادی؛ دهانی، میثم؛ جهان تیغ، راضیه. (۱۳۹۷). تحلیل رابطه فقر و سرمایه اجتماعی؛ مطالعه موردی: سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره۷۰، شماره ۳۸، ۴۵۳-۴۳۸.
جمعه پور، محمود. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر دیدگاه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی، سمت، تهران.
– حیدری، رهبر. (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست‌گذاری، مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۴، شماره ۱۵، ۲۱۹-۲۵۳.
– دینی ترکمانی، علی. (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، دوره ۶، شماره ۲۳، ۱۷۱-۱۴۷.
– راستین، محمد؛ خاتمی، سید وحید؛ نوچه، محمد هادی؛ میرعماد، سید حسن و گلیوری، احمد، (۱۳۹۳). نقش توانمندسازی زنان در مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی: روستای فروان در طرح بین‌المللی مدیریت پایدار منابع آب‌وخاک حبله رود، استان سمنان، اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد.
– رومیانی، احمد؛ عنابستانی، علی اکبر و ولائی، محمد. (۱۳۹۵). تحلیلی بر اثرات سرمایه اجتماعی بر روی توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: دهستان رومشگان غربی شهرستان کوهدشت. فضای جغرافیایی، ۱۵.
– ریاحی، وحید؛ جمشیدی، علیرضا؛ جمینی، داود و چراغی، رامین. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین روستائیان (مطالعه موردی: منطقه اورامانات استان کرمانشاه)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۱: ۲۴-۴.
– سعیدی، عباس. (۱۳۸۳). مبانی جغرافیای روستایی، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.
– شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، ۵۵-۴۲.
– شفیعی، مهدی. (۱۳۹۲). مدیریت مشارکتی منابع طبیعی و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، مشهد: انتشارات شعرا.
– شمسی، زهرا؛ محب علیپور، منیره؛ الوداری، حسن. (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی، مدیریت سرمایه اجتماعی، شماره ۱، ۱۱۷-۱۱۳.
– صالحی، رضا؛ نعمتی، مرتضی؛ امان پور، سعید. (۱۳۹۵). سنجش و تحلیل سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: نسیم شهر)، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره دهم، ۱۷۲-۱۴۵.
– علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
– فراهانی، حسین؛ عبدلی، سمیه؛ چراغی، مهدی. (۱۳۹۱). ارزیابی اثرات سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی با تأکید بر کیفیت زندگی (مطالعه موردی: دهستان مشهد، میقان شهرستان اراک)، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم،شماره ۸، ۷۸-۶۷.
– قربانی، مهدی؛ جعفریان، وحید؛ یزدانی، محمد رضا و عبدالشاه نژاد، مهسا. (۱۳۹۵). تحلیل شبکه سیاست‌گذاری و انسجام سازمانی دست‌اندرکاران بخش منابع طبیعی در استان سمنان، نشریه مرتع و آبخیزداری، شماره ۱، ۱۶۶-۱۵۵.
– کاظمیان، غلامرضا؛ شفیعا، سعید. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی ساکنان با پایداری توسعه در محله غیررسمی شمیران نو، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره، ۲، ۲۴-۱.
– گرجی کرسامی، علی و بابایی کارنامی، علی. (۱۳۹۶). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولید کشاورزی چهاردانگه ساری، مجله تعاون و کشاورزی، دوره ۶، شماره ۲۴، ۱۵۰-۱۲۹.
– گلشیری اصفهانی، زهرا؛ خادمی؛ حسین؛ صدیقی، علیرضا و تازه، مهدی. (۱۳۸۸). تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان (مطالعه موردی: بخش گندمان، شهرستان بروجن). فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱، ۱۶۷-۱۴۷.
– محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۹۶). بررسی زمینه‌های مشارکت روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
– مطیعی لنگرودی، حسن. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی روستایی با

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]

تأکید بر ایران، جهاد دانشگاهی مشهد.
– میری، جوان؛ حسن؛ افرخته، و شایان، حمید. (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی مطالعه موردی: منطقه پشت آب سیستان، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره چهاردهم، ۴۹-۲۹.
- Alston, M. (2001). Social Capital in Rural Australia, Director, Center for Rural Social Research Charles Sturt University.
- Azkia, M., and Firoozabadi, S.A. (2008). Investigation of Social capital in kind's exploitation systems of land and effective factors on conversion peasant exploitation to cooperation. Social science Letter, 33(1), 97-111.
- Barber, B. (1983). The Logic and Limits of Trust, New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Bastani, S. and Raeesi, M., (2011). Network analysis method: use of the entire network approach in the open source community, Journal of Social Studies, 5(2): 32-59.
- Bodin, O., & Prell, C. (2011). Social networks and natural resource management: Uncovering the social fabric of environmental governance.Cambridge: Cambridge University Press.
- Coleman, J. S. (1990). Social capital in the creation of human capital. American Journal of Sociology, 94, S95-S120.
- Currie, G., & Stanley, J. (2008). Investigating links between social capital and public transport. Transport Reviews, 28 (4), 529-547.
- Davenport, M. A., Leahy, J. E., Anderson, D. H. and Jakes, P. J. (2007), "Building trust In Natural Resource Management within Local Communities": A Case Study of the Midewin National Tallgrass Prairie, Environmental Management, No 3: 353-368.
- De Haan, A. (2001), Social Exclusion Enriching the Understanding of Deprivation, University of Sussex.
- Dhesi, A. S. (2000). Social Capital and Community Development. Community Development Journal, 35(3), 199-214.
- Earle, T. and Cvetkovich, G. T. (1995), Social Trust: Toward a Cosmopolitan Society, New York: Prager.
- Ericsson, KA. (2004), Deliberate Practice and the Acquisition and Maintenance of Expert Performance in Medicine and Related Domains. 79 (10), S70-S81.
- Ghaffari, M. (2011). The Basics of Regional Planning. Publication of). The Basics of Regional Planning. Publication of Planning and Budget Organization, Tehran.
- Ghorbani, M., 2015. The Action Plan of social-policy networks monitoring and assessment in local communities' empowerment and integrated landscape management. Research Institute about empowering local communities and participatory management of natural resources Publishers, university of Tehran.85p.
- Jatel, N., (2013). Using social network analysis to make invisible human actor water governance networks visible – the case of the Okanagan vallay, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in the college of graduate studies (Interdisciplinary Studies) the University of British Columbia.
- Leahy, E. and Anderson, H., 2008. Trust Factors in Community–water Resources Management Agency Relationships. Journal of Landscape and Urban Planning, 87(2): 100–107.
- Ling, Q., Huang LU, H., & Wang, X,2015, Social capital, member Participation, and Cooperative Performance: Evidence from China's Zhejiang. International Food and Agribusiness Management Review, 18, 1, 49- 78.
- Mohamadi kangarani, H. and Mohamadi, E., (2014). Introduction to methodology of social networks (Translation), University of Hormozgan.
- Mousavi, M. (2012). [Social participation as a component of social capital (Persian)]. Social Welfare Quarterly, 6(23), 67-92.
- Moyes, D., P. Ferri, F. Henderson and G. Whittam, 2015, The stairway to heaven? The effective use of social capital in new venture creation for a rural business, Journal of Rural Studies, 39, 11-21.
- Murayama, H., Arami, R., Wakui, T., & Sugawara, L,2014, Crosslevel interaction between individual and neighborhood socioeconomic status in relation to social trust in a Japanese community.Urban Studies Journal, 51, 13, 2770-2786.
- Popovych, A. (2018). Social Capital and Rural Development.Current Debates Tourism and Development Studies, 12, R11, Z13.
- Putnam, R. (1995). Tuning in, tuning out: the strange disappearance of social capital in America. Political Science and Politics, 28 (4), 664-683.
- Putnam, R. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. New York: Simon & Schoster.
- Rezvani, M., & Darban Astaneh, A. (2012). Explain the factors affecting rural governance in local government (case studu: Qazvin Township). Urban Management. 28, 179-198.
- Salari, F., 2014. Modeling and Analysis of watershed network in resin watershed in Kermanshah (Master's thesis). Department of Natural Resources, University of Tehran.
- Saleh Nasab, Gh. (1992). The Role of Women in Agricultural Development. Agricultural Research, Education and Extension. 151, 22-27.
- Sepehri, M. and Riahi, A., 2010. Applying social network analysis to extract knowledge management system needs in knowledge-based organizations, Science and Technology Policy, 3(2): 81-93.
- Sharbatiyan, M.H., A. Bokharaei and P. tavafi, 2015, The study of social capital in rural development (Case study: village of AsadAbad city Torbat-Heidriyeh), Quarterly Journal of Human Geography, 7(4), 139-163.
- Stern, M. J. and Baird, T. D (2013), "Trust ecology and the resilience of natural resource management institutions", Ecology and Society, No.2: 14-23.
- Warner, F. (1999). Social capital construction and the role of the local state, Rural Sociology, 64(3), 120-159.
- Zhou, L., E. Chan and H. Song, 2017, Social capital and entrepreneurial mobility in early-stage tourism development: A case from rural China, Tourism Management, 63, 338-350.

DOI: 10.22034/42.181.31

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]
[DOI: DOI: 10.22034/42.181.31]